

قصه‌های امروز و هر روز

شاه لاک پشت‌ها و يك قصه ديگر

نویسنده و تصویرگر:

دکتر زیوس

مترجم: رضی هیرمندی



در جزیره‌ی دورافتاده‌ای به اسم **سالا-ما-ساند**
 پادشاهِ آبگیر، لاک‌پشتی بود به نام **پرتل**.
 آبگیر کوچک و خوبی بود. تمیز و پاکیزه بود
 آبش ولرم بود و خوردنی‌هاش فراوان.
 لاک‌پشت‌ها هر چه را که مورد نیازشان بود، داشتند
 همگی خوشبخت بودند و خوش و خرم.

